

Study of Representaion of Child Sexual Abuse in Persian-Language News Websites

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Alireza Dehghan¹
Azam Ravadrad²
Mahsa Badri^{3*}

How to cite this article

Alireza Dehghan, Azam Ravadrad, Mahsa Badri, Study of Representaion of Child Sexual Abuse in Persian-Language News Websites, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2023:6(4): 448-460.

1. Associate Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran
3. PhD student, Department of Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran (corresponding author).

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: mahsa.badri@ut.ac.ir

Article History
Received: 2022/11/15
Accepted: 2023/03/02

ABSTRACT

purpose: This study aimed to investigate how child sexual abuse is reflected in Persian-language news websites. The goal was to determine whether these websites effectively raise awareness about child sexual abuse or simply create a stereotypical image of it.

Materials and Methods: In this research, two cases of child sexual abuse, Neda Alizadeh and Mohammad Hossein A'mi Azghadi, who garnered media attention in the spring of 2018, were analyzed using content analysis. The statistical population of this study included 24 news articles about Neda and 14 about Mohammad Hossein on Persian-language websites, which all of them have been analyzed due to the limited number of related news articles.

Findings: Persian-language news websites provided very limited coverage of the studied cases of child sexual abuse, with most articles ending with news of the perpetrator's execution. The main elements of the news articles were "event details," "introduction of the perpetrator," and "introduction of the child." The main approach of these websites was to present a dramatic story using specific adjectives and details in these three elements, rather than providing analysis and root cause identification.

Conclusion: The studied cases of child sexual abuse were focused on creating moral panic towards the perpetrator, rather than providing informative and educational content. This approach creates a stereotypical way of thinking about child sexual abuse and especially the perpetrator, and is unable to offer solutions to prevent it by identifying the underlying causes, which is necessary to provide effective measures to prevent child sexual abuse and promote social health in the community.

Keywords: Moral Panic, Child Sexual Abuse, Representation, Social Health, News Coverage, News Websites.

مطالعه بازتاب کودک‌آزاری جنسی در سایت‌های

خبری فارسی‌زبان

واژگان کلیدی: هراس اخلاقی، کودک‌آزاری جنسی، بازتاب، سلامت اجتماعی، پوشش خبری، سایت‌های اینترنتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

* نویسنده مسئول: mahsa.badri@ut.ac.ir

مقدمه

کودک‌آزاری یکی از معضلات اجتماعی جدی است که علی‌رغم آن که امروزه آگاهی بیشتری در مورد آن شکل گرفته است، به نظر می‌رسد رواج آن در بسیاری از جوامع، جدی قلمداد نمی‌شود. کودک‌آزاری نه تنها به کودک و خانواده او آسیب جسمی و روانی وارد می‌کند، بلکه به سلامت اجتماعی جامعه نیز لطمه وارد می‌کند زیرا از یک سو تهدیدکننده ارزش‌های خانوادگی و باورهای اجتماعی نهادینه شده در جامعه است، از سوی دیگر باعث کاهش احساس امنیت در جامعه و به تبع سرمایه اجتماعی است.

نقشی که رسانه‌ها در این زمینه بر عهده دارند، حائز اهمیت است زیرا رسانه‌ها یکی از منابع اصلی کسب آگاهی برای عموم مردم محسوب می‌شوند و قادرند ضمن شناسایی عوامل زمینه‌ساز کودک‌آزاری در جامعه، شرایطی را برای افزایش آگاهی و جلب توجه به ضرورت ارائه راهکارهای کاهش زمینه‌ها و دلایل بروز کودک‌آزاری را فراهم کنند. تا مدت‌ها رسانه‌ها در همه جای دنیا از پرداخت به این معضل پرهیز می‌کردند. اما امروزه، بیش از گذشته به این مسئله می‌پردازند و آن را به متن توجه جامعه آورده‌اند. افزایش توجه رسانه‌ها به کودک‌آزاری می‌تواند این باور را ایجاد کند که کودک‌آزاری پدیده‌ای جدید است یا نسبت به گذشته افزایش یافته است. اما «افزایش پوشش رسانه‌ای به معنای افزایش میزان شیوع کودک‌آزاری در جامعه نیست» (۱). اشکال مختلف کودک‌آزاری همواره در بسیاری از نقاط جهان و در ادوار مختلف تاریخی وجود داشته است (۲، ۳). با تغییر سیاست‌ها در کشورهای مختلف و وضع قوانینی برای حمایت از کودکان، میزان گزارش کودک‌آزاری به سازمان‌های عدالت کیفری و نهادهای حمایت اجتماعی افزایش پیدا کرد. در این بین، رسانه‌ها نیز به دلیل تکیه بر اطلاعاتی که از سوی نهادهای رسمی دریافت می‌کنند، بیش از گذشته نسبت به انعکاس کودک‌آزاری روی آوردند (۴ و ۵).

در این میان، آن چه حائز اهمیت است، نحوه عملکرد رسانه‌ها در بازتاب کودک‌آزاری است. تحقیقات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است که با وجودی که در کشورهای مختلف و در دوره‌های زمانی متفاوت انجام شده‌اند، اما نتایج مشابهی داشته‌اند. بر این اساس، رسانه‌های خبری در بازتاب کودک‌آزاری، «موارد خاصی را از شدیدترین سوءاستفاده جنسی و جسمی انتخاب می‌کنند»، «آنها را در قالب‌های داستانی به تصویر می‌کشند» و «رویکردی فردگرایانه» (Individualistic) دارند که در آن فرد آزاررسان در

علیرضا دهقان

دانشیار، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران.

اعظم راوودراد

استاد، گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران.

مهسا بدری*

دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: در این مطالعه، نحوه بازتاب کودک‌آزاری جنسی در سایت‌های خبری فارسی‌زبان مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف آن است که دریابیم آیا عملکرد این سایت‌ها در بازتاب کودک‌آزاری آگاهی‌بخش است یا در استای ایجاد تصویر قالبی از کودک‌آزاری قرار دارد؟

مواد و روش‌ها: در این پژوهش دو کودک‌آزاری «ندا علیزاده» و «محمدحسین اعمی ازغدی» که کودک‌آزاری آنها در بهار سال ۱۳۹۷ توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد، با استفاده از تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق دربرگیرنده ۲۴ خبر در خصوص ندا و ۱۴ خبر در مورد محمدحسین در سایت‌های اینترنتی فارسی‌زبان بود که با توجه به محدودیت شمار اخبار مرتبط، کل جامعه آماری مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: سایت‌های اینترنتی فارسی‌زبان کودک‌آزاری‌های مورد مطالعه را بسیار محدود پوشش داده‌اند که با خبر اعدام به پایان می‌رسد. سه مقوله اصلی در اخبار شامل «جزئیات رویداد» «معرفی فرد آزاررسان» و «معرفی کودک قربانی» است. رویکرد اصلی این سایت‌ها ارائه داستانی دراماتیک با استفاده از صفات و جزئیات خاص در این سه مقوله است و نه تحلیل و ریشه‌یابی!

نتیجه‌گیری: کودک‌آزاری‌های مورد مطالعه مبتن بر ایجاد هراس اخلاقی نسبت به فرد آزاررسان است؛ رویکردی که آگاهی‌بخش و آموزشی نیست و صرفاً با تحریک احساسات نسبت به کودک‌آزاری و به ویژه فرد کودک‌آزار تفکر قالبی ایجاد نموده و قادر نیست با شناسایی عوامل ایجادکننده شرایط کودک‌آزاری، راهکارهایی برای جلوگیری از وقوع آن در کشور به منظور ارتقای سلامت اجتماعی در جامعه ارائه نماید.

مرکز توجه قرار گرفته و مسئول همه چیز تلقی می‌شود؛ ویژگی‌هایی که تصویری قالبی از کودک‌آزاری ایجاد می‌کند (۶). اساساً، انعکاس کودک‌آزاری در رسانه‌ها مسئله‌ای چالش‌برانگیز است؛ رسانه‌ها بر سر دو راهی این انتخاب قرار دارند که در مورد کدامیک از کودک‌آزاری‌ها، تا چه میزان و به چه نحوی می‌توانند اقدام به تهیه خبر و گزارش نمایند تا از یک سو واقعیت‌ها را بازتاب داده و در جامعه به آگاهی‌بخشی بپردازند و از سوی دیگر، هراس عمومی ایجاد نکرده و به سرمایه اجتماعی لطمه وارد نکنند. به عبارت بهتر، همان‌طور که گفتن و بیان کردن واقعیت کودک‌آزاری از سوی رسانه‌ها می‌تواند مفید و ضروری باشد، نگفتن و بیان نکردن آن نیز می‌تواند عملی اخلاقی و دربرگیرنده منفعت اجتماعی باشد. بر این اساس، شمار اندک یا زیاد اخبار و گزارش‌های مربوط به کودک‌آزاری به خودی خود نمی‌تواند معیاری برای ارزیابی عملکرد رسانه‌ها باشد. آن چه حائز اهمیت است نحوه بیان است؛ شیوه‌ای که کودک‌آزاری بازتاب داده شده و می‌تواند درک جامعه را شکل دهد.

کودک‌آزاری در ایران نیز، یکی از معضلات اجتماعی جدی است؛ بر اساس اعلام رسمی رئیس اورژانس اجتماعی بهزیستی کشور در آبان ماه ۱۳۹۶، در شش ماه ابتدایی سال ۱۳۹۶ در حوزه کودک‌آزاری، تعداد تلفن‌های ثبت شده ۸ هزار و ۴۷۸ تماس بوده است (۷). با توجه به این که بسیاری از کودک‌آزاری‌ها هرگز گزارش نمی‌شوند، قطعاً این آمار نشان‌دهنده میزان واقعی شیوع کودک‌آزاری در کشور نیست. تحقیقاتی که در خصوص کودک‌آزاری در داخل کشور انجام شده‌اند نیز، با بحث در خصوص علل و پیامدهای اجتماعی کودک‌آزاری در جامعه، بر جدیت این معضل و ضرورت توجه به آن تاکید می‌کنند (۳ و ۸ - ۲۰). آن چه در این میان مورد توجه قرار نگرفته است، عملکرد رسانه‌ها در بازتاب کودک‌آزاری و نقش آنها در آگاهی‌بخشی به جامعه است.

در کشور ما منبع اصلی کسب اطلاع در خصوص کودک‌آزاری برای بسیاری از مردم، نه رسانه‌های رسمی، بلکه فضای مجازی است. مخاطبان به غیر از اخبار غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی، به مجموعه محدودی از اخبار رسمی در فضای مجازی دسترسی دارند. با جست و جوی ساده‌ای در اینترنت می‌توان سایت‌های خبری مختلفی را مشاهده کرد که اخبار کودک‌آزاری را به طور پراکنده منعکس کرده‌اند که نسبت به اخبار شبکه‌های اجتماعی به مراتب رسمی‌تر است. این مطالعه با تمرکز بر سایت‌های اینترنتی فارسی‌زبان به عنوان منابع رسمی‌تر اطلاع‌رسانی، به دنبال آن است عملکرد آنها را در بازتاب کودک‌آزاری مورد مطالعه قرار دهد. هدف از این مطالعه آن است که دریابد این سایت‌ها به چه نحو کودک‌آزاری را بازتاب می‌دهند، و آیا عملکرد آنها آگاهی‌بخش است یا در راستای ایجاد تصویر قالبی از کودک‌آزاری قرار دارد؟

۱) چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این مطالعه نظریه «هراس اخلاقی» (Moral panic) استنلی کوهن است. هراس فرایند برانگیختن نگرانی اجتماعی در خصوص موضوعی است که به عنوان تهدیدی برای نظم جامعه تلقی می‌شود. بر این اساس، رسانه‌ها با هر چیزی که نهادها و ارزش‌های سنتی را تهدید کند، مخالفت می‌کنند و به خلق «شیاطین اخلاقی» می‌پردازند؛ کسانی که به راحتی سانسور شده و از جامعه طرد یا منزوی می‌شوند تا ارزش‌های سنتی دوباره جای پای محکم خود را به دست آورند (۲۱).

کودک‌آزاری به ویژه کودک‌آزاری جنسی نیز یکی از تهدیدکننده‌های ارزش‌های جامعه است. کودک‌آزاری جنسی (Child sexual abuse) یکی از اشکال کودک‌آزاری است که دربرگیرنده هر نوع فعالیت جنسی با کودک است، قبل از سنی که بتواند رضایت قانونی داشته باشد (۲۲). چه این اعمال با زور و اجبار صورت گرفته باشند، چه بدون اعمال زور فیزیکی و همراه با تهدید، رشوه، تطمیع و فریب دادن رخ داده باشند (۲۳). در این میان، فرد کودک‌آزار یک شیطان اخلاقی خواهد بود که ارزش‌های جامعه را تهدید و نظم جامعه را به هم زده و حذف او تنها راه بازگشت نظم از دست رفته به جامعه خواهد بود.

کوهن برای رسانه‌ها نقشی کلیدی در فرایند ایجاد هراس اخلاقی، قائل است. اساساً، رسانه‌ها در ایجاد فهم عمومی از امور مختلف (از جمله کودک‌آزاری جنسی) عاملان مهمی محسوب می‌شوند، نه تنها به این علت که قادرند بر نگرش‌های افراد تاثیر بگذارند، بلکه به این دلیل که آنها در بیشتر مواقع تنها وسیله دسترسی به اطلاعاتی هستند که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی به آن بستگی دارد (۲۴).

بازتاب پدیده‌های اجتماعی (از جمله کودک‌آزاری) در رسانه‌های جمعی مبتنی بر گزینش‌هایی است که رسانه باید صورت دهد. بر این اساس، رسانه‌ها جهان واقعیت را به طریقی گزینش شده، برای مخاطبان خود بازنمایی می‌کنند و مخاطبان از مجرای چنین بازنمایی گزینش شده‌ای، به شناخت از جهان پیرامون خود دست پیدا می‌کنند. به این طریق، تصویری که رسانه‌ها از «کودک‌آزاری جنسی» ارائه می‌کنند نیز، تصویری گزینش شده خواهد بود که می‌تواند شکل‌دهنده درک، فهم و قضاوت خاصی از آن باشد.

کوهن رسانه‌ها را بازوان اصلی ایجاد هراس اخلاقی می‌داند. به اعتقاد وی، رسانه‌ها در بازتاب آن چه نظم اجتماعی را بر هم زده و ارزش‌های اخلاقی جامعه را متزلزل ساخته است، از طریق فرایند گزینشگری چنان عمل می‌کنند که تمام توجه به سمت «شیاطین اخلاقی» جلب شده و نسبت به آن نوعی نگرانی، اضطراب و هراس عمومی شکل می‌گیرد (۲۱). این بازتاب گزینش‌شده از «شیاطین اخلاقی» تفکرات قالبی را خصوصاً سوء رفتارها شکل داده و «خطرناک بودن» را برجسته

می‌کند. بر این اساس، حساسیتی عمومی شکل می‌گیرد که «شیاطین اخلاقی» در مرکز آن قرار دارند و رسانه‌ها درک و نگرشی قالبی نسبت به آنها را عمومیت می‌بخشند، بدون آن که پیچیدگی مسائل را توضیح دهند. در این میان، حذف شیطان اخلاقی از جامعه به عنوان تنها راه‌حل برای بازگرداندن نظم اجتماعی مطرح می‌شود.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش از تحلیل محتوا استفاده می‌شود و در این مسیر، ترکیبی از تحلیل محتوای کمی و کیفی به کار گرفته شده است. تحلیل محتوا یکی از ابزارهای تحقیق است که با تمرکز بر روی متن، به طور نظام‌مند و عینی ویژگی‌های خاص پیام‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد و از طریق طبقه بندی نظام‌مند، به تفسیر داده‌های متنی می‌پردازد (۲۵). در حالی که تحلیل محتوای کمی بر روی عینیت تأکید دارد، تحلیل محتوای کیفی فراتر از محتوای عینی متون می‌رود و الگوهای آشکار یا پنهان را مورد تفسیر قرار می‌دهد. استفاده توأمان از تحلیل محتوای کمی و کیفی به محقق امکان می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ای ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. شنون و هسیه (۲۰۰۵) این رویکرد را رویکرد جامع (Summative approach) و یکی از رویکردهای تحلیل محتوای کیفی معرفی کرده‌اند. تحلیل محتوا با رویکرد جامع، با تعیین و شمارش محتوا آغاز می‌شود، اما بدان محدود نمی‌ماند و هدف آن، تفسیر متن است و تمرکز اصلی آن، کشف الگوی معنایی متن مورد تحلیل است (۲۶).

در این مطالعه، کودک‌آزاری «ندا علیزاده»، دختر ۶ ساله‌ای که در ۷ فروردین ۱۳۹۷ از سوی میوه‌فروش همسایه ربوده شده، مورد تجاوز قرار گرفت و به قتل رسید و «محمدحسین اعمی ازغدی» پسر ۱۰ ساله‌ای که در ۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ از سوی یک راننده تاکسی ربوده شد، در حالی که تلاش برای تجاوز به او ناکام ماند، به قتل رسید، به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شدند. انتخاب این دو مورد به دو دلیل صورت گرفت. نخست آن که این دو رویداد بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشتند به طوری که رسانه‌های رسمی را تا حدودی وادار به واکنش در برابر این دو رویداد کردند. به همین دلیل، جستجوی این دو رویداد در میان اخبار رسمی‌تر در سایت‌های اینترنتی ممکن بود. همچنین، این دو رویداد به لحاظ زمانی با فاصله یک ماه از هم اتفاق افتادند و این مسئله می‌تواند درک واضح‌تری را از بازتاب‌های صورت گرفته در بستر زمانی واحد ایجاد نماید.

با جستجو در سایت‌های اینترنتی شامل خبرگزاری‌ها، سایت اینترنتی روزنامه‌ها، وبگاه‌های خبری مستقل و سایت‌های سرگرمی و تفریحی، کلیه اخبار مربوط به این دو رویداد که تا زمان نگارش این مقاله منتشر شده بودند، جمع‌آوری شد. در کل، اخبار مربوط به ندا در ۲۳ سایت (خبرگزاری‌های ایسنا، ایرنا، باشگاه خبرنگاران جوان، تابناک و هرانا،

وبگاه‌های خبری خبرآنلاین، آفتاب، رکنا، قدس آنلاین، سرپوش، نوداد و انصاف، سایت اینترنتی روزنامه‌های ایران آنلاین، همشهری، شرق، اطلاعات، جهان‌صنعت، شیراز نوین و جوان آنلاین و سایت‌های سرگرمی و تفریحی پرشین‌وی و اولی‌ها هر کدام یک خبر و وبگاه خبری یورونیوز ۲ خبر) و اخبار مربوط به محمدحسین در ۱۳ سایت (خبرگزاری‌های ایسنا و سلامت نیوز، وبگاه‌های خبری مشهد فوری، مشرق نیوز، کودک‌پرس، اعتماد، آفتاب، رکنا، مخابر و ملیت، سایت‌های اینترنتی روزنامه‌های ایران‌آنلاین و جام‌جم آنلاین و سایت سرگرمی و تفریحی برترین‌ها، هر کدام ۱ خبر) یافت شد. بر این اساس، جامعه آماری این تحقیق دربرگیرنده ۲۴ خبر در خصوص ندا و ۱۴ خبر در خصوص محمدحسین بود و با توجه به محدودیت شمار اخبار مرتبط، کل جامعه آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

ابتدا، کلیت اخبار با توجه به سه شاخص «میزان پوشش خبری»، «بازه زمانی» و «نوع اخبار» مطالعه شد. در ادامه، با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا مقوله‌بندی محتوای اخبار صورت گرفت. در این میان، واحد ثبت مضمون است که بر اساس آن، هر کلمه، جمله یا پاراگراف که به مضمون مشخصی اشاره داشت، ثبت شد. همچنین، خبر واحد شمارش را تشکیل داده است.

در پایان، با توجه به رویکرد جامع تحلیل محتوا، ارتباط میان مقولات با رویکرد کیفی مورد تفسیر قرار گرفتند تا الگوی معنایی اخبار در بازتاب کودک‌آزاری مشخص و تفسیر شوند.

یافته‌ها

۱- ۴-۱) کلیت اخبار با توجه به سه شاخص «میزان پوشش خبری»، «بازه زمانی» و «نوع اخبار» مورد مطالعه قرار گرفته است. تعداد و حجم خبر بیانگر «میزان پوشش خبری» است. میانگین کلمات اخبار، نشان‌دهنده حجم خبر است که امکان توجه به جزئیات کمتر یا بیشتر را تعیین می‌کند. «بازه زمانی» به مدت زمانی اشاره دارد که سایت‌های اینترنتی از لحظه وقوع کودک‌آزاری‌های موردتوجه، به انتشار خبر در خصوص آنها پرداختند. «نوع خبر» به رویکرد کلی اخبار اشاره دارد که بر اساس آن سه نوع خبر از هم تفکیک شد؛ «اخبار با رویکرد خبری و اطلاع‌رسانی»، که از سبک‌های معمول خبرنویسی استفاده می‌کنند و بر روی عناصر خبری تأکید دارند، «اخبار با رویکرد داستانی» که جزئیات بیشتری را به عناصر خبری می‌افزایند، احساسات را برمی‌انگیزند و انعطاف بیشتری نسبت به اخبار با رویکرد خبری صرف دارند و «گزارش تحلیلی» که رویکردی تحلیلی و آموزشی داشته و به عوامل خارج از عناصر خبری می‌پردازند.

۲-۴) میزان پوشش خبری

پس از یک ماه، تنها ۱ خبر در ۳۱ تیرماه منتشر شده است که از اعدام قاتل خبر می‌دهد. هیچ خبری پس از زمان‌های مطرح شده در سایتهای اینترنتی یافت نشدند. بر این اساس می‌توان دو نکته را دریافت. نخست آن که پوشش خبری در هر دو مورد محدود به دوره زمانی‌ای است که دو رویداد به تازگی رخ داده و موضوع مورد توجه در سطح جامعه است. با پایان یافتن دوره هیجان جمعی، این رویدادها مانند سایر رویدادها به فراموشی سپرده می‌شوند و به صورت پراکنده در مورد آنها اخباری منتشر می‌شود. دوم، در هر دو مورد به نظر می‌رسد، خبر اعدام به عنوان نقطه پایان این بازه محسوب می‌شود؛ گویا با بسته شدن پرونده، دیگر نیازی نیست رسانه‌ها باری دیگر به آن پردازند.

۴-۴) انواع خبر

سایتهای انواع متفاوتی از خبر را با رویکردهای خبری، داستانی و تحلیلی برای پوشش کودک‌آزاری‌های مورد توجه این مطالعه، مورد استفاده قرار داده‌اند. اهمیت توجه به نوع خبر آن است که هر کدام از آنها، میزان و نوع خاصی از اطلاعات را دربردارند و به طرق خاصی می‌توانند واکنش عاطفی مخاطبان را برانگیزند. اخبار با رویکردهای خبری، صرفاً یک اطلاعیه هستند که از وقوع یک حادثه خبر می‌دهند. اخبار با رویکردهای داستانی با ذکر جزئیات حادثه و واکنش افراد مختلف به آن، فراتر از یک اطلاعیه ساده اقدام کرده و به رویداد یک جنبه عاطفی و احساسی می‌بخشند و مخاطبان خود را با این احساس همراه می‌کنند. اخبار با رویکرد تحلیلی، به جستجوی دلایل و زمینه‌های وقوع حوادث مشابه می‌پردازد و به دنبال ریشه‌یابی و ارائه راهکار برای جلوگیری از تکرار حوادث مشابه بوده و بنابراین، جنبه آموزشی بیشتری دارند.

۱۰ خبر از اخبار مربوط به ندا (۴۱,۷ درصد) رویکرد خبری دارند، ۹ خبر (۳۷,۵ درصد) رویکرد داستانی دارند و ۵ خبر (۲۰,۸ درصد)، دارای رویکرد تحلیلی هستند. در این میان، وبگاه‌های خبری گرایش بیشتری به اخبار با رویکرد خبری و رویکرد داستانی داشتند. این امر نشان می‌دهد که این سایتهای توجه بیشتری به ارائه جزئیات رویداد (کم یا زیاد) توجه دارند و بنابراین نقش اطلاع رسانی و عاطفی بیشتری دارند. در مقابل، سایتهای اینترنتی روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها بیش از سایر سایتهای به ارائه گزارش تحلیلی پرداخته‌اند که این امر نشان‌دهنده آن است که این سایتهای با نگاه تحلیلی بیشتری، به سایر عوامل موثر و یا عواقب رویداد توجه داشته‌اند و بنابراین نقش آموزشی بیشتری ایفا می‌کنند.

نوع خبر در خصوص اخبار مربوط به محمدحسین بسیار متفاوت است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ۱۱ خبر از ۱۴ خبر مربوط به محمدحسین (۷۸,۶ درصد) دارای رویکرد خبری هستند. در این میان ۲ خبر (۱۴,۳ درصد) دارای

میزان پوشش خبری کودک‌آزاری ندا و محمدحسین در سایتهای اینترنتی محدود است. ۲۴ خبر در سایتهای اینترنتی به پوشش خبری کودک‌آزاری ندا پرداخته‌اند که از این میان، ۱۰ خبر (۴۱,۷ درصد) از سوی وبگاه‌های خبری، ۷ خبر (۲۹,۲ درصد) از سوی سایتهای اینترنتی روزنامه‌ها، ۵ خبر (۲۰,۸ درصد) از سوی خبرگزاری‌ها و در نهایت ۲ خبر (۸,۳ درصد) از سوی سایتهای سرگرمی منتشر شده‌اند. در این بین، میانگین کلمات اخبار خبرگزاری‌ها و سایتهای اینترنتی روزنامه‌ها بیش از میانگین کلمات دو گروه دیگر از سایتهای است. این امر نشان می‌دهد که خبرگزاری‌ها و سایتهای اینترنتی روزنامه‌ها، بیش از وبگاه‌های خبری و سایتهای سرگرمی نسبت به ارائه جزئیات در خصوص کودک‌آزاری ندا، اقدام کرده‌اند.

در حالی که کودک‌آزاری محمدحسین با فاصله کمتر از یک ماه از ماجرای ندا رخ داد، اما تعداد و حجم اخبار مربوط به او بسیار کمتر از اخبار ندا است و تنها ۱۴ خبر در خصوص وی منتشر شده است. ۹ خبر (۶۴,۳ درصد) از سوی وبگاه‌های خبری و ۳ خبر (۲۱,۴ درصد) از سوی سایتهای اینترنتی روزنامه‌ها منتشر شده است و خبرگزاری‌ها و سایتهای سرگرمی هر کدام تنها یک خبر در این مورد وی کار کرده‌اند. میانگین کلمات اخبار مربوط به محمدحسین نیز قابل‌توجه است. بیشترین میانگین کلمات، مربوط به تک‌خبر سایتهای سرگرمی است که ۱۱۱۵ کلمه و میانگین کلمات سایر سایتهای همه زیر ۱۰۰۰ کلمه هستند.

بنابراین سایتهای اینترنتی، کودک‌آزاری‌های مورد مطالعه را به طور محدود بازتاب کرده‌اند. این امر به خودی خود، خوب یا بد نیست زیرا همان‌طور که پیشتر گفته شد عدم پوشش گسترده حوادث ناگوار می‌تواند عملی اخلاقی و دربرگیرنده منفعت اجتماعی تلقی شود. آن چه در این میان جالب توجه است تفاوتی است که میان میزان پوشش خبری ندا و محمدحسین وجود دارد. با مقایسه تعداد اخبار مربوط به ندا (۲۴ خبر) و محمدحسین (۱۴ خبر) و میانگین کلمات اخبار مربوط به آنها (۱۰۳۵,۶ کلمه در اخبار مربوط به ندا و ۶۷۰,۱ کلمه در اخبار مربوط به محمدحسین) می‌توان دریافت که سایتهای اینترنتی حادثه ندا را تقریباً دو برابر بیشتر از امیرحسین پوشش داده‌اند.

۳-۴) بازه پوشش خبری

بازه زمانی پوشش خبری کودک‌آزاری‌های مورد مطالعه بسیار محدود است (حداکثر یک ماه پس از واقعه). ۲۰ خبر از ۲۴ خبر مربوط به ندا (۸۳,۳ درصد) و ۱۲ خبر از ۱۴ خبر مربوط به محمدحسین (۸۵,۴ درصد) در بازه زمانی یک ماه پس از وقوع رویداد منتشر شده‌اند. پس از آن، در خصوص ندا ۴ خبر در ماه‌های بعد منتشر شده است که ۳ خبر همزمان با اعدام قاتل و یک خبر در قالب گزارش تحلیلی در مهر ماه منتشر شده است. اما در خصوص محمدحسین،

بیان جزئیات از خاصیت داستانی بالایی برخوردار است و به همین دلیل در برانگیختن احساسات نیز بسیار تاثیرگذار است. این بدان معنا است که سایت‌های اینترنتی برای برانگیختن احساسات مخاطبان خود به بیان جزئیات رویدادها گرایش دارند. در این میان، هرچند جزئیات در هر سه نوع خبر «خبری»، «داستانی» و «تحلیلی» مورد توجه قرار داشته است، اما ذکر جزئیات در اخبار با رویکرد داستانی بیشتر است. همان طور که گفته شد، این نوع از اخبار اساساً به دنبال ایجاد تاثیر عاطفی و احساسی در مخاطبان خود هستند و ذکر جزئیات، این امکان را برای آنها فراهم می‌کند. در این میان، اخبار با رویکرد خبری با تاکید بر عناصر خبری صرف، بیش از دو نوع خبر دیگر، جزئیات حادثه را بیان کرده و در اخبار با رویکرد تحلیلی، جزئیاتی مربوط به کودک قربانی، خصوصاً آن چه کودک را آسیب‌پذیر کرده است، بیشتر ارائه شده است.

این تفاوت، تاکیدهای مختلفی را ایجاد می‌کند. در رویکرد خبری، اطلاع‌رسانی در خصوص رویداد با تکیه بر عناصر خبری مورد توجه است، رویکرد تحلیلی با تاکید بر جزئیات مربوط به موقعیت کودک قربانی، امکان این تحلیل را فراهم می‌کند که چه عواملی می‌تواند کودکان را در معرض کودک‌آزاری قرار دهد و در رویکرد داستانی، هر چه جزئیات بیشتری در خصوص حادثه، فرد آزاررسان و کودک قربانی در قالب داستانی ارائه شود، امکان بیشتری فراهم می‌شود تا احساسات و عواطف مخاطب برانگیخته شود.

۵-۱-۲) نتیجه و عاقبت رویداد

سایت‌های اینترنتی، تصویری از موقعیت فرد آزاررسان و خانواده قربانی پس از وقوع حادثه را نیز به تصویر کشیده‌اند که بیش از هر چیز معطوف به نتیجه است. به عبارت بهتر، این بخش از تعریف رویداد، به این دو سوال پاسخ می‌دهد: «خانواده کودک چه حالی دارند؟» و «فرد آزاررسان چه عاقبتی دارد؟».

یافته‌ها نشان می‌دهند، تمامی اخبار عاقبت فرد آزاررسان را در هر دو دسته اخبار مربوط به ندا و محمدحسین مورد توجه قرار داده‌اند. عباراتی نظیر «شمارش معکوس برای اعدام قاتل ندا» (۲۷) (همشهری-۲۶ تیر ۱۳۹۷) و «مجرمان می‌گویند حیف است زنده باشی» (۲۸) (یورو نیوز-۱۶ فروردین ۱۳۹۷) به عاقبت فرد آزاررسان شامل طرد، تحقیر اجتماعی، دستگیری و اعدام اشاره دارند. بر این اساس، تمامی این اخبار، پیش از آن که مرتکبان این دو رویداد اعدام شوند، آنها را مستوجب مجازات اعلام کردند.

در این میان، ۵۰ درصد اخبار، به عاقبت و حال و هوای خانواده ندا و تنها ۲۱،۴ درصد اخبار به حال و هوای خانواده محمدحسین اشاره کرده‌اند. این امر، با توجه به این که تمام اخبار به عاقبت فرد آزاررسان اشاره کرده‌اند، تاکیدهای متفاوتی را در اخبار مربوط به ندا و محمدحسین ایجاد می‌

رویکرد داستانی و تنها یک خبر از نوع گزارش تحلیلی با رویکرد تحلیلی است. در این بین، هیچ کدام از خبرگزاری‌ها و سایت‌های اینترنتی روزنامه‌ها که در تهیه گزارش‌های تحلیلی در خصوص ندا جلودار بودند، در خصوص محمدحسین گزارش تحلیلی و خبر با رویکرد داستانی منتشر نکرده‌اند. بر این اساس، به نظر می‌رسد سایت‌های اینترنتی تمایل بیشتری داشته‌اند که در مورد رویداد ندا، عواطف و احساسات بیشتری برانگیزند و به تحلیل آن بپردازند و در مقابل، صرف اطلاع‌رسانی در خصوص حادثه محمدحسین را کافی دانسته، و از ارائه اخباری که عواطف جمعی را تحریک کند و یا به تحلیل اجتماعی آن بپردازد، به طور قابل توجهی اجتناب کرده‌اند.

۲) بازتاب کودک‌آزاری

اخبار سایت‌ها در بازتاب کودک‌آزاری‌های مورد مطالعه، باید به ارائه توضیحاتی در مورد این که چه رویدادی و چگونه اتفاق افتاده و فرد آزاررسان و کودک قربانی هر کدام چه کسانی با چه مشخصاتی بوده‌اند، بپردازند. این توضیحات در قالب سه مقوله «تعریف رویداد»، «معرفی فرد آزاررسان» و «معرفی کودک قربانی» مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۱-۱) تعریف رویداد

مقوله «تعریف رویداد» شامل بخش‌هایی از اخبار است که به بیان جزئیات حادثه می‌پردازد. در فرایند رمزگذاری، چهار زیرمقوله برای این مقوله از متن اخبار استخراج شد. نخست «جزئیات رویداد» است که شامل ذکر جزئیاتی در خصوص نحوه وقوع حادثه، موقعیت فرد آزاررسان و موقعیت فرد قربانی است. دوم «نتیجه و عاقبت» رویداد که شامل ذکر پیامدهای رویداد برای خانواده قربانی و فرد آزاررسان است. سوم، «عبارات معرف» که شامل عبارات، کلمات و اصطلاحاتی است که برای طبقه‌بندی رویداد مورد استفاده قرار گرفته است. در نهایت، «صفات توصیف کننده» که نشان‌دهنده رویکرد و واکنش احساسی است.

۵-۱-۱-۱) جزئیات رویداد

یافته‌ها نشان می‌دهند سایت‌های اینترنتی در بازتاب کودک‌آزاری‌های مورد مطالعه، جزئیات بسیاری را در مورد «موقعیت فرد آزاررسان»، «موقعیت کودک قربانی» و «جزئیات حادثه» مطرح کرده‌اند.

۹۱،۷ درصد اخبار جزئیات کودک‌آزاری و قتل ندا را مطرح، ۷۹،۲ درصد به موقعیت کودک توجه و ۵۴،۲ درصد نیز به موقعیت فرد آزاررسان اشاره کرده‌اند. همچنین، ۹۲،۹ درصد اخبار به جزئیات کودک‌آزاری و قتل محمدحسین پرداخته‌اند، ۷۸،۶ درصد موقعیت کودک را و ۷۱،۴ درصد نیز به موقعیت فرد آزاررسان در هنگام قتل اشاره کرده‌اند.

با تحلیل محتوای اخبار، سه دسته از صفات شناسایی شدند. دسته اول صفاتی هستند که رویداد را «غیرانسانی» معرفی می‌کنند. صفاتی نظیر «شیطانی» و القابی نظیر «مارمولک» و «زالو» در این دسته قرار دارند. دسته دوم صفاتی هستند که بر بعد «عاطفی و احساسی» رویداد تأکید دارند و نوعی از احساس غم، نفرت و ترس را ایجاد می‌کنند. صفاتی نظیر «وحشتناک»، «فجیع» و «شوکه‌آور» در این دسته قرار دارند. در نهایت صفاتی شناسایی شدند که رویداد را به مثابه یک «معضل اجتماعی» معرفی می‌کنند و بر وجه عمومیت داشتن آن تأکید دارند. از جمله این صفات می‌توان به «تکراری» اشاره کرد.

در این میان، تعداد قابل توجهی از اخبار ندا (۵۰ درصد) و محمدحسین (۷۱،۴ درصد)، از صفات غم‌انگیز بودن استفاده کرده‌اند. در این میان، ۳۷،۵ درصد اخبار ندا و ۳۵،۷ درصد اخبار محمدحسین، رویداد را با صفات غیرانسانی بودن توصیف کرده‌اند. در این بین، یک خبر معادل ۴،۲ درصد اخبار ندا و ۳ خبر معادل ۲۱،۴ درصد اخبار محمدحسین به رویداد به عنوان یک معضل اجتماعی لقب داده‌اند. استفاده از صفاتی که رویداد را به عنوان معضلی اجتماعی برای مخاطب «واقعی تر» و «نزدیک‌تر به شرایط زندگی» معرفی کند، در میان اخبار بسیار محدود است که نوعی گرایش را نسبت به استثنا بودن رویداد نشان می‌دهد. بر این اساس، کودک‌آزاری‌ها طوری نشان داده می‌شوند که رویدادی غیرانسانی بوده (و نه الزاماً معضلی اجتماعی) که باید نسبت به آن خشمگین، نگران، ناراحت و... بود.

در این میان، اخبار مربوط به محمدحسین بیش از اخبار مربوط به ندا، از صفات نوع سوم استفاده کرده‌اند. این امر بدین معنا نیست که کودک‌آزاری محمدحسین نسبت به کودک‌آزاری ندا بیشتر به عنوان معضلی اجتماعی توصیف شده است، بلکه اساساً برآمده از تأکیدی است که این دسته از اخبار بر روی «قتل» معرفی کردن رویداد محمدحسین داشته‌اند که بر اساس آن، قتل محمدحسین و نه کودک‌آزاری او به عنوان معضلی اجتماعی مطرح شده است.

۲-۵) معرفی فرد آزارسان

مقوله «معرفی فرد آزارسان» شامل بخش‌هایی از اخبار است که در آن فرد آزارسان معرفی می‌شود. در فرایند رمزگذاری، سه زیرمقوله برای این مقوله از متن اخبار استخراج شد. نخست «هویت» شامل بخش‌هایی از خبر که «نام»، «سن» و «جنسیت» فرد آزارسان بیان شده است، دوم «شرایط اقتصادی و اجتماعی» شامل بخش‌هایی از خبر که به موقعیت شغلی، طبقه و شرایط اقتصاد و اجتماعی فرد آزارسان اشاره شده است، و در نهایت «صفات» که شامل کلیه صفات‌هایی است که برای معرفی فرد آزارسان به کار رفته است.

۱-۲-۵) هویت فرد آزارسان

کند. در اخبار مربوط به ندا، بیان حال و هوای خانواده ندا امکان هم ذات‌پنداری بیشتری را فراهم می‌کند و از این طریق، مخاطبان احساس همدردی بیشتری با خانواده ندا پیدا می‌کنند. اما در خصوص محمدحسین، تأکید بیش از آن که بر خانواده وی قرار داشته باشد، بر روی فرد آزارسان قرار می‌گیرد.

۳-۱-۵) عبارات معرفی

بر اساس یافته‌های تحقیق، سایت‌های اینترنتی برای بازتاب رویداد ندا و محمدحسین از سه دسته از عبارات استفاده کرده‌اند. نخست عباراتی که واقعه را به عنوان یک قتل و جرم معرفی می‌کنند و شامل کلماتی نظیر «جرم»، «جنایت»، «کشتن»، «کودک‌ربایی»، «قتل» و... هستند. دوم، عباراتی که به مفهوم «کودک‌آزاری» بدون توجه مستقیم به بعد جنسی آن اشاره دارند و شامل عباراتی نظیر «آزار و اذیت» و «کودک‌آزاری» هستند. در نهایت، عباراتی که به «آزار جنسی» اشاره مستقیم دارند و شامل واژگانی نظیر «تعرض»، «تجاوز»، «آزار جنسی» و... می‌شوند.

در خصوص ندا، ۱۰۰ درصد اخبار به مفهوم «قتل»، ۷۹،۲ درصد اخبار به مفهوم کودک‌آزاری، و ۵۸،۳ درصد به مفاهیمی اشاره کرده‌اند که جنبه جنسی بودن کودک‌آزاری ندا را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این بین، حتی در اخباری که به طور مشخص از کلماتی نظیر «آزار جنسی»، «تجاوز» و... استفاده نشده است، اشارات تلویحی به «آزار جنسی» وجود دارد که وجه جنسی بودن آزار و قتل ندا را برجسته می‌کند.

در خصوص محمدحسین نیز، ۱۰۰ درصد اخبار قتل را به عنوان واضح‌ترین کلمه برای دسته‌بندی این رویداد مورد استفاده قرار داده‌اند. در این میان ۴۲،۹ درصد اخبار به مفهوم کودک‌آزاری و تنها ۲۸،۶ درصد به بعد جنسی کودک‌آزاری محمدحسین اشاره کرده‌اند. در این دسته از اخبار تأکیدات واضحی در خصوص ناکام ماندن قصد تعرض به کودک وجود دارد. این در حالی است که طبق تعریف، ناکامل ماندن تعرض به معنای خارج شدن مورد محمدحسین از حیطة تعریفی کودک‌آزاری جنسی نیست. این امر نشان‌دهنده گرایش سایت‌های خبری به تعریف رویداد محمدحسین به عنوان یک قتل و نه کودک‌آزاری جنسی است.

۴-۱-۵) صفات توصیف‌کننده

یافته‌ها نشان می‌دهد که بخشی از بازتاب رویداد ندا و محمدحسین از طریق صفاتی صورت می‌گیرد که تعیین‌کننده نوع نگرش، رویکرد و واکنش احساسی نسبت به رویداد هستند، استفاده از صفاتی که بار «عاطفی و احساسی» دارند، نوعی گرایش به ایجاد احساس و رویکرد خاص نسبت به رویداد را نشان می‌دهد.

ساکن بوده و بنابراین به لحاظ طبقاتی احتمالاً در یک سطح قرار دارند.

۵۴,۲ درصد اخبار ندا، قاتل را با توجه به تعلق طبقاتی (به عنوان عضوی از طبقه پایین) معرفی می‌کنند، ۳۷,۵ درصد بر روی همسایه بودن او تأکید دارند و ۱۶,۷ درصد او را فردی مشکل‌دار نشان داده‌اند. در خصوص قاتل محمدحسین نیز، ۷۱,۴ درصد به تعلق طبقاتی (به عنوان عضوی از طبقه متوسط) اشاره کرده‌اند، ۲۸,۶ درصد اخبار از او به عنوان فردی مشکل‌دار نام می‌برند و ۲۱,۴ درصد نیز او را فردی در همسایگی معرفی می‌کنند.

آن چه این نوع بازنمایی را حائز اهمیت می‌کند، گزینش بخشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی مرتکبان این دو واقعه به عنوان کلیت شرایط آنها است. تأکید بر مختصات طبقاتی و تأکید بر جنبه‌هایی که فرد را به عنوان یک فرد مشکل‌دار معرفی می‌کند، نوعی تصویرسازی را ایجاد می‌کند که مشکلات این افراد را به مشکلات طبقاتی آنان متصل می‌کند و قادر است خطرناک بودن و مشکل‌دار بودن را به طبقه مرتبط سازد. بر این اساس جوان مجرد متعلق به طبقه متوسط با مشکل مالی و مرد خانواده‌دار متعلق به طبقه پایین با مشکل اعتیاد و طلاق، به عنوان فرد آزارسان معرفی شده‌اند. همچنین، تأکید بر «آشنا بودن» و «همسایه بودن» قاتلان ندا و محمدحسین نیز دربرگیرنده نوعی هشدار نسبت به نزدیکی خطر «مرد همسایه مشکل‌دار» است که کسانی را که به این طبقات تعلق دارند، مخاطب قرار می‌دهد.

۵-۲-۳) استفاده از صفات

در اخبار سایت‌های اینترنتی سه دسته از صفات برای معرفی فرد آزارسان به کار گرفته شده‌اند. نخست صفاتی نظیر «قاتل»، «جنایتکار» و «متهم» که مرتکب را به عنوان «مجرم» معرفی می‌کنند. دوم صفاتی هستند که مرتکب را به عنوان موجودی «غیرانسانی» معرفی می‌کنند. واژگانی نظیر «زالو»، «مارمولک»، «شیطان»، «بی‌رحم» و دیگر واژگان مترادف در این دسته قرار دارند. در نهایت صفاتی که مرتکب را به عنوان «بیمار» معرفی می‌کنند.

۴۵,۸ درصد اخبار، قاتل ندا را به عنوان مجرم و ۲۹,۲ درصد اخبار وی را به عنوان انسانی با ویژگی‌های غیرانسانی معرفی کرده‌اند. تنها در یک گزارش تحلیلی منتشر شده از سوی سایت اینترنتی مطبوعات، که نگاهی ریشه‌یابانه دارد، اشاره‌ای به «بیمار بودن» قاتل ندا شده است. همچنین، ۸۵,۷ درصد اخبار مربوط به محمدحسین فرد آزارسان را مجرم معرفی می‌کنند و در ۳۵,۷ درصد موارد از وی تصویری غیرانسانی به تصویر کشیده شده است. در پوشش خبری محمدحسین هیچ خبری مرتکب را به عنوان بیمار معرفی نکرده است.

استفاده از این صفات از این جهت حائز اهمیت است که تصورات مشخصی را در خصوص فرد آزارسان در ذهن

سایت‌های اینترنتی برای معرفی هویت فرد آزارسان به شیوه نسبتاً مشابهی عمل کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند فرد آزارسان، بیش از آن که به واسطه نام و نام خانوادگی معرفی شود، به واسطه سن و جنسیت معرفی شده است.

در هیچ کدام از اخبار سایت‌های اینترنتی (غیر از یک خبر مربوط به ندا) نام کامل قاتل مطرح نشده است. این در حالی است که در ۱۰۰ درصد موارد، بر جنسیت مرتکب به عنوان «مرد» تأکید شده است. بی‌شک جنسیت فرد آزارسان در این اخبار با بیان تنها یک بار نام کوچک و یا معرفی اولیه، برای مخاطب آشکار می‌شود، اما استفاده مکرر از واژه «مرد»، تداعی‌کننده نوعی تأکید بر این است که فرد آزارسان «زن» نیست. این امر با توجه به این باور عمومی که زن‌ها نمی‌توانند به کودکان آسیب برسانند، پیوند دارد و بر این اساس «مرد» بودن را به وجهی مهم از هویت فرد آزارسان تبدیل می‌سازد.

علاوه بر این، در ۶۶,۷ درصد اخبار مربوط به ندا و در ۳۵,۷ درصد اخبار مربوط به محمدحسین، به سن فرد آزارسان نیز اشاره شده است. استفاده از عباراتی نظیر «مرد ۴۱ ساله» برای قاتل ندا و «مرد جوان» برای قاتل محمدحسین، همانند توضیحی که در خصوص واژه «مرد» بیان شد، نوعی تأکید محسوب می‌شود که به نوعی دسته‌بندی «مرد خطرناک» کمک می‌کند. این امر نیز برآمده از این باور عمومی است که مردان مسن دارای احترام و شانیت بوده، به طوری که به کودکان آسیب نمی‌رسانند. بدین ترتیب در این اخبار، «جوان» بودن به وجه مهم دیگری از هویت فرد آزارسان تبدیل شده است.

۵-۲-۵) شرایط اجتماعی و اقتصادی فرد آزارسان

اشاره به «شرایط اجتماعی و اقتصادی» فرد آزارسان یکی از راه‌های معرفی وی در اخبار سایت‌های اینترنتی فارسی زبان است. در این زمینه، سایت‌ها به سه طریق عمل کرده‌اند. نخست ارائه توصیفاتی از زندگی اجتماعی و اقتصادی فرد آزارسان به گونه‌ای که «تعلق طبقاتی» او را نشان دهد. عباراتی نظیر «مرد میوه فروش» یا «دارای ۳ فرزند خردسال» در خصوص قاتل ندا و «جوان پراید سوار»، «تحصیل‌کرده» در خصوص قاتل محمدحسین در این دسته قرار دارند. دوم، اشاره به مشکلات اجتماعی است که فرد آزارسان با آنها دست به گریبان است. در این زمینه، سایت‌های اینترنتی از عباراتی استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد فرد آزارسان دارای مشکلاتی نظیر «اعتیاد»، «طلاق»، «بی‌کاری»، «مشکل مالی» و... است و بنابراین نه به عنوان یک عضو معمولی طبقه‌ای خاص، بلکه به عنوان عضو مشکل‌دار از آن طبقه بازنمایی می‌شود. در نهایت، تأکید بر «آشنا بودن» فرد آزارسان است. سایت‌های اینترنتی در این زمینه از عباراتی استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد فرد آزارسان در «همسایگی» خانواده کودک

در حالی است که در خصوص محمدحسین تنها در ۴۲٫۹ درصد اخبار با استفاده از کلماتی نظیر «پسر»، «پسر بچه» و... بر جنسیت او تاکید شده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد در اخبار سایت‌های اینترنتی هویت ندا بر اساس نام و جنسیت، راحت‌تر و آشکارتر از هویت محمدحسین بیان می‌شود.

۳-۳-۵) شرایط اجتماعی و اقتصادی کودک قربانی یافته‌ها نشان می‌دهد در معرفی شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده ندا، سه مقوله «فقر»، «مهاجر افغان بودن» «خانواده سنتی» برجسته شده است. در ۷۹٫۲ درصد اخبار مربوط به ندا، به مهاجر افغان بودن این خانواده اشاره و در ۶۲٫۵ درصد اخبار فقر و تنگدستی آنان نیز مطرح شده است. در این میان، ۲۹٫۲ درصد اخبار به سنتی بودن خانواده اشاره کرده‌اند و در این راستا بر «ازدواج زود هنگام مادر ندا» و «تعداد زیاد فرزندان خانواده» تاکید شده است.

در این میان، ۹۰ درصد اخبار با رویکرد خبری، موضوع مهاجر بودن را در قالب عباراتی نظیر «مهاجر»، «افغانستانی» و «افغان»، مورد تاکید قرار داده‌اند. در اخبار با رویکرد داستانی نیز توجه بسیاری به این ویژگی صورت گرفته است، به طوری که ۸۸٫۹ درصد آنها از واژه‌ها و عباراتی نظیر «مرد کارگر مهاجر» استفاده کرده و از این طریق مهاجر بودن را مورد تاکید قرار داده‌اند. در میان اخبار با رویکرد تحلیلی نیز، در ۴۰ درصد موارد (۲ گزارش تحلیلی) از این دست عبارات برای اشاره به مهاجر بودن استفاده شده است. در این میان، در حالی که ۱۰۰ درصد اخبار با رویکرد داستانی و ۸۰ درصد اخبار با رویکرد تحلیلی بر مسئله فقر و تنگدستی خانواده ندا تاکید کرده‌اند، تنها ۲ خبر با رویکرد خبری به این مفهوم اشاره کرده‌اند. همچنین ۶۰ درصد اخبار با رویکرد تحلیلی و ۴۴٫۴ درصد اخبار با رویکرد داستانی، مسئله سنتی بودن خانواده ندا را نیز مورد تاکید قرار داده‌اند و هیچ خبر با رویکرد خبری به این مورد اشاره نکرده است. با توجه به این که اخبار با رویکرد تحلیلی و داستانی توجه بیشتری به عوامل غیر از عناصر خبر دارند، بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از این ویژگی‌ها در معرفی خانواده ندا، بار تحلیلی دارد. این بدان معنا است که اشاره به وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده ندا و استفاده از کلماتی که بر این ویژگی‌ها تاکید می‌کنند، استفاده زبانی برای اشاره به این باور عمومی جامعه است که مهاجران را جزو طبقه ضعیف اقتصادی و خانواده‌های سنتی اقشار آسیب‌پذیر می‌داند. بر این اساس، در این دسته از اخبار گویا دلیل واقعه در بستر آسیب‌پذیری خانواده قربانی جستجو شده است و سهمی از تقصیر به شرایط آسیب‌پذیر خانواده ندا نسبت داده می‌شود.

در این میان، به طرز قابل‌توجهی، در هیچ یک از اخبار مربوط به محمدحسین هیچ اشاره‌ای به شرایط اجتماعی و خانوادگی وی دیده نمی‌شود. عدم استفاده از کلماتی که نشان‌دهنده شرایط اجتماعی و اقتصادی محمدحسین است، به اندازه

مخاطب ایجاد می‌کنند. صفاتی که فرد آزاررسان را مجرم معرفی کرده، وی را به عنوان عضوی از جامعه که از قوانین سرپیچی کرده و نظم را به هم ریخته است، تصویر می‌کند و بنابراین وی مستحق مجازات تلقی می‌شود. استفاده از صفاتی که فرد آزاررسان را موجودی غیرانسانی بازنمایی می‌کند، عمل وی را به سادگی یک جرم تلقی نمی‌کند، بلکه رفتاری کاملاً غیرانسانی جلوه می‌دهد که در جامعه غیرقابل پذیرش است و باید از جامعه حذف شود. اما به کارگیری صفاتی که فرد آزاررسان را «بیمار» بازنمایی می‌کنند، نگاهی انتقادی‌تر به شرایطی دارند که آن فرد را از حالت عادی و پذیرفته شده خارج کرده است و بنابراین، تداعی‌کننده این اندیشه است که باید عوامل ایجادکننده چنین بیماری‌هایی برطرف شود. سایت‌های اینترنتی به طور بارزی از دو نوع اول از صفات استفاده کرده‌اند، بنابراین به گونه‌ای فرد آزاررسان را به تصویر کشیده‌اند که حذف آنها از جامعه برای برگشت به نظم عادی، واجب به نظر می‌رسد.

۳-۵) معرفی کودک قربانی

مقوله «معرفی کودک قربانی» شامل بخش‌هایی از اخبار است که در آن کودک قربانی معرفی می‌شود. در فرایند رمزگذاری، سه زیرمقوله برای این مقوله از متن اخبار استخراج شد. نخست «هویت» شامل بخش‌هایی از خبر که «نام»، «سن» و «جنسیت» کودک قربانی بیان شده است، دوم «شرایط اقتصادی و اجتماعی» شامل بخش‌هایی از خبر که به طبقه و شرایط اقتصادی و اجتماعی کودک قربانی اشاره شده است، و در نهایت «صفات» که شامل کلیه صفات‌هایی است که برای معرفی کودک قربانی به کار رفته است.

۳-۳-۵) هویت کودک قربانی

سایت‌های اینترنتی در معرفی هویت کودک قربانی، به شیوه نسبتاً مشابهی عمل کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد سن هر دو کودک در تمامی اخبار به طور دقیق ذکر شده است و بنابراین در این اخبار به طور مشخص بر سن کودکان قربانی تاکید شده است. با این وجود در خصوص ذکر نام کامل و همچنین تاکید بر جنسیت کودک، میان اخبار مربوط به ندا و محمدحسین تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد.

در تمامی اخبار مربوط به ندا، نام و نام خانوادگی کامل او عنوان شده است. اما این امر در مورد اخبار محمدحسین ۴۲٫۹ درصد است؛ به این معنا که بیش از نیمی از اخبار نام خانوادگی محمدحسین را ذکر نکرده‌اند. این امر نشان‌دهنده گرایش این اخبار برای آشکار نکردن نام خانوادگی محمدحسین به عنوان بخشی از هویت وی است. همچنین، در اخبار مربوط به ندا، در ۸۳٫۳ درصد موارد از کلماتی نظیر «دختر»، «دختر بچه» و... استفاده شده است. با توجه به این که نام «ندا» به خودی خود نشان‌دهنده جنسیت کودک است، ذکر این کلمات تأکیدی بر جنسیت او محسوب می‌شوند. این

۳) بازتاب کودک آزاری و ایجاد هراس اخلاقی بر اساس نظریه هراس اخلاقی، رسانه‌ها در مخالفت با آن چه نهادها و ارزش‌های سنتی را تهدید می‌کند، به خلق شیاطین اخلاقی می‌پردازند؛ کسانی که به عنوان عامل اصلی بر هم خوردن نظم اجتماعی مطرح می‌شوند و حذف آنها تنها راهکار برای بازگشت نظم است. در اخبار مربوط به کودک آزاری ندا و محمدحسین، با توجه به ارتباطی که میان سه مقوله «تعریف داستان»، «معرفی کودک آزار» و «معرفی کودک قربانی» وجود دارد، می‌توانیم الگویی را مشاهده کنیم که ایجادکننده هراس اخلاقی است و بنابراین در چهارچوب نظریه «هراس اخلاقی» (Cohen, 1972) قابل تفسیر است و نشان‌دهنده آن است که اخبار مورد مطالعه در بازتاب کودک آزاری ندا و محمدحسین نسبت به ایجاد هراس اخلاقی پرداخته‌اند.

نخست، اخبار مورد مطالعه رویداد را در قالب داستانی تعریف می‌کنند که دارای جزئیات دراماتیک است و در آن از صفاتی استفاده شده است که تأکید می‌کنند که این رویداد بسیار ناراحت‌کننده، شوکه‌کننده و خشمگین‌کننده است. رویدادی که یک استثنا و غیرقابل‌پذیرش است. بر این اساس، شرح جزئیات کاملی از این که رویداد چگونه رخ داده است، چه اتفاقاتی پس از آن افتاده است، شخصیت‌ها و افراد مختلف چه کرده‌اند، چه می‌اندیشند و چه احساسی دارند، همچنین استفاده از صفات و اصطلاحاتی که می‌تواند این رویدادها را در دسته‌بندی‌های مفهومی خاصی طبقه‌بندی کند و احساسات مخاطبان را برانگیزد، جملگی تلاش‌هایی برای ارائه داستانی دراماتیک است. بر این اساس، مخاطبان صرفاً با خبر یک رویداد مواجه نیستند، بلکه واکنش‌های احساسی و عاطفی مشخصی در آنها ایجاد می‌شود. اما این رویداد در مورد ندا و محمدحسین به طور متفاوتی طبقه‌بندی می‌شود. در مورد ندا، به طور بارز بر «کودک آزاری جنسی» بیش از «قتل» تأکید شده است. اما در مورد محمدحسین این تأکید «قتل» بسیار بیشتر از «کودک آزاری جنسی» مورد تأکید قرار گرفته است. این امر به نوعی تلاش برای پنهان کردن امکان «تعارض به مرد/پسر» است که در مقابل «تعارض به زن/دختر» قرار دارد که هرچند غیرقابل پذیرش ولی بسیار محتمل‌تر و قابل‌درک‌تر به نظر می‌رسد.

در این میان، محدودیت میزان پوشش خبری حائز اهمیت است. ندا و محمدحسین نام‌هایی هستند که در بازه زمانی محدودی مورد توجه قرار گرفته‌اند و پس از آن، احتمالاً تا زمانی که نام دیگری ظهور نکند، نامی از آنها برده نخواهد شد. این امر، یکی از ویژگی‌های بازنمایی مبتنی بر «هراس اخلاقی» است که بر اساس آن در بازه زمانی کوتاهی، موضوعی که نظم اجتماعی را بر هم زده است مورد توجه قرار می‌گیرد و با حذف عامل برهم زننده نظم اجتماعی، رسانه‌ها رو به سکوت و خاموشی می‌گذارند. نکته مهم در این بازه زمانی، نقطه پایان است. همان طور که بیان شد،

استفاده از کلماتی که شرایط اجتماعی و اقتصادی ندا را نشان می‌داد، بار تحلیلی دارد. بر این اساس، سکوت در مقابل شرایط اجتماعی و اقتصادی محمدحسین بدین معنا است که وضعیت وی وضعیت قابل‌توجهی نیست که بتوان سهم تقصیری برای آن قائل شد. در این حالت جستجوی علت‌ها تماماً به حوزه فرد آزارسان منتقل می‌شود و چهره‌ای مقصرت‌تر از او می‌سازد و شرایط و ویژگی‌های فرد آزارسان را برجسته‌تر می‌کند.

۳-۳-۵) استفاده از صفات

یافته‌ها نشان می‌دهند استفاده از صفات خاصی برای معرفی کودک قربانی، اهمیت بسیاری دارد و در ارتباط تنگاتنگ با عبارات معرف رویداد و صفات به کاربرده شده برای معرفی فرد آزارسان قرار دارد. در این بین، صفات مورد استفاده برای معرفی ندا به سه ویژگی «قربانی بودن»، «بی‌پناه بودن» و «کوچک بودن» اشاره دارند. ۲۵ درصد اخبار از صفت «قربانی» و ۸٫۳ درصد از صفت «بی‌پناه» استفاده کرده‌اند و در ۵۷٫۱ درصد اخبار بر صفاتی تأکید شده است که خردسال بودن او برجسته شود. بر این اساس ندا با استفاده از صفات به عنوان دختر کوچکی معرفی می‌شود که نمی‌تواند از خود محافظت کند و حمایت کافی نمی‌بیند و قربانی امیال یک بزرگسال شده است.

در مقابل، برای محمدحسین صفاتی استفاده شده است که وی را به عنوان «مقتول» و «بی‌گناه و معصوم» معرفی می‌کند. در ۳۵٫۷ درصد این اخبار، محمدحسین به عنوان مقتول و در ۲۱٫۴ به عنوان «بی‌گناه و معصوم» معرفی شده است. در هیچ خبری بر سن کم محمدحسین در قالب یک صفت تأکید نشده است، این در حالی است که او تنها ۳ سال از ندا بزرگ‌تر است. این امر را می‌توان استفاده از صفات برای برجسته کردن یک معنا دانست. در حالی که ندا «قربانی» معرفی می‌شود، محمدحسین «مقتول» نامیده می‌شود. در حالی که کلمه «قربانی» تلویحات جنسی دارد، کلمه «مقتول» عمل کودک آزاری جنسی را پنهان می‌کند و بر قتل به عنوان مهم‌ترین عنوانی که می‌توان برای رویداد محمدحسین استفاده کرد، تأکید می‌کند. همچنین، در حالی که ندا «بی‌پناه» نامیده می‌شود، محمدحسین «بی‌گناه» خوانده می‌شود. صفت «بی‌پناه» به طور ضمنی، بیانگر این مفهوم است که در خانواده ندا، کسی توان حمایت از او را ندارد و این تأکیدی بر موقعیت آسیب‌پذیر خانواده ندا است که بخشی از تقصیرات را متوجه آنها می‌سازد. اما «بی‌گناه» صفتی است که تقصیرات را از سمت کودک و شرایط او تماماً به سمت فرد آزارسان معطوف می‌کند و چهره‌ای مقصرت‌تر از وی به عنوان قاتل ارائه می‌دهد. بر این اساس، محمدحسین به عنوان مقتول یک قتل و نه قربانی یک آزار جنسی (هرچند ناتمام) بازنمایی می‌شود.

سوی دیگر بخشی از تقصیر را متوجه طبقه و خانواده او می‌کند که در حمایت از فرزند خود ناکام مانده‌اند.

با این وجود، در مورد محمدحسین، هرچند بر سن او به عنوان کودک تأکید می‌شود، اما بر خلاف ندا، بر جنسیت او تأکیدی صورت نمی‌گیرد. با توجه به این که در تعریف رویداد او بر کودک‌آزاری جنسی نیز تأکید نمی‌شود، به نظر می‌رسد برخلاف ندا که تعرض جنسی به وی به عنوان یک دختر قابل درک به نظر می‌رسد، نمی‌توان محمدحسین را ابرّه جنسی دانست زیرا او یک پسر است. از این روی، نوعی سکوت در مورد بعد جنسی رویداد وی، قابل مشاهده است و تأکید بر او و خانواده‌اش صورت نمی‌گیرد. هویت محمدحسین جز نام او در اخبار قابل مشاهده نیست، جز اشاراتی کلی به خانواده وی، جزئیاتی در مورد وضعیت زندگی او نیز ارائه نمی‌شود. گویا مهم نیست این کودک کیست و از کجا آمده، آن چه مهم است، فردی شیطانی است که وی را به قتل رسانده است.

در این بین، دوگانه قتل-آزار جنسی جالب توجه است. سایت‌های اینترنتی گرایش دارند که رویدادهای مذکور را بیش از آن که آزار جنسی معرفی کنند، به عنوان قتل بازتاب دهند. قتل و آزار جنسی دو جرم جداگانه هستند که در خصوص ندا و محمدحسین به طور همزمان رخ داده‌اند و نکته مهم آن است که اعدام قاتل‌ها نه به دلیل آزار جنسی که به دلیل قتل که مرتکب شده‌اند، صورت گرفته است. اما این نکته در هیچ کدام از اخبار مورد تأکید قرار نداشته است. بر این اساس، این اخبار تمایل دارند کودک‌آزاری را جرم نشان دهند و آن را به مشکلات طبقاتی خاصی مرتبط کنند. این مسئله در زیرمقوله «شرایط اجتماعی و اقتصادی» فرد آزاررسان و کودک قربانی قابل مشاهده است که بر اساس آن، فرد آزاررسان و کودک قربانی با مشکلات اجتماعی و اقتصادی خاصی معرفی می‌شوند و تعلق طبقاتی آنها مورد تأکید قرار می‌گیرد. این در حالی است که کودک‌آزاری تنها محدود به قشرهای آسیب‌پذیر اجتماعی نیست.

همچنین، در مورد هر دو کودک، از صفاتی استفاده شده است که به مخاطب القا می‌کند چگونه آنها را طبقه‌بندی کند و چه حسی نسبت به آنها داشته باشد. بر این اساس، ندا «قربانی» معرفی می‌شود که اشاره‌ای زبانی به عمل کودک‌آزاری جنسی است. اما محمدحسین «مقتول» معرفی می‌شود که عدم تأکید بر عمل کودک‌آزاری جنسی را نشان می‌دهد. ندا «بی‌پناه» نامیده می‌شود، که سهمی از تقصیر را متوجه خانواده و طبقه و شرایط اجتماعی و اقتصادی می‌داند، اما محمدحسین «بی‌گناه» خانواده می‌شود که ناخواسته توجه را از خانواده و طبقه و شرایط اجتماعی اقتصادی او برداشته و به طول کامل بر روی فرد کودک‌آزار قرار می‌دهد. در هر دو مورد، این صفات احساس تاسف، هم دردی و ناراحتی را در مخاطب برمی‌انگیزد و احساس خشم و نفرت بیشتری نسبت به فرد کودک‌آزار ایجاد می‌کند.

آخرین اخبار مربوط به ندا و محمدحسین، خبر مربوط به اعدام فرد کودک‌آزار بود. براساس نظریه هراس اخلاقی، اعدام فرد کودک‌آزار را می‌توان حذف شیطان اخلاقی دانست که به مثابه نقطه پایانی برای رویدادی است که «دیگر تمام شده است».

فرد آزاررسان شخصیت کلیدی این داستان دراماتیک است که در مرکز داستان قرار دارد و با ویژگی‌های خاصی تعریف می‌شود. بر این اساس، بر مرد بودن (زن نبودن)، جوان بودن (مسن نبودن)، متعلق به طبقه اجتماعی و اقتصادی متوسط یا پایین بودن (عدم تعلق به طبقه بالا) و دارای مشکلات اجتماعی نظیر طلاق، بیکاری و اعتیاد بودن (یک آدم عادی نبودن) تأکید شده است. این امر، نگاهی قالبی نسبت به فرد آزاررسان ایجاد می‌کند که بر اساس آن فرد آزار رسان، بی‌شک یک مرد جوان متعلق به طبقه متوسط یا ضعیف جامعه است که با انواع معضلات اجتماعی درگیر است. همچنین این اخبار با استفاده از صفات، به طبقه‌بندی فرد آزاررسان می‌پردازد و به مخاطب القا می‌کند چگونه در مورد او ببیند. بر این اساس، وی نه تنها یک فرد جنایتکار، قاتل، متهم، مجرم است (تأکید بر عمل مجرمانه مستوجب مجازات) بلکه یک فرد غیرانسانی است (استفاده از صفات شیطان و بی‌رحم) که باید حذف شود. در این میان صفاتی نظیر «بیمار» که فرد کودک‌آزار را قربانی شرایطی خاص و نیازمند درمان می‌داند، تنها یک بار دیده شده است. عدم تأکید بر این دسته از صفات، عامل برجسته شدن سهم تقصیر فرد کودک‌آزار است و او را به شیطان اخلاقی تبدیل می‌کند که فردی استثنا است و باید حذف شود. «هراس اخلاقی» اساساً رویکردی فردگرایانه دارد که در آن فرد آزاررسان و شرایط او مورد توجه است و به عنوان «شیاطین اخلاقی» در مرکز داستان قرار می‌گیرد. این اخبار ضمن این که رویکرد فردگرایانه دارند، این موضوع را از دید مخاطب پنهان نگه می‌دارد که به دلیل وجود شرایط مشابه، افراد بسیاری در سطح جامعه هستند که اقدامات مشابهی انجام می‌دهند و راهکار در مرتفع نمودن آن شرایط است. در این میان حذف شیطان اخلاقی، راه‌حل بازگشت به نظم پیشین است. بنابراین داستان ارائه شده نقطه پایان مشخصی پیدا می‌کند: فرد به دار آویخته می‌شود و عدالت اجرا می‌شود. بر این اساس، مشاهده می‌شود که بازه زمانی در بازتاب اخبار مربوط به محمدحسین و ندا با خبر اعدام قاتلان آنها به پایان می‌رسد.

سوم، کودک قربانی مطرح است که این اخبار با تأکید بر آنها، تلاش می‌کنند فوج بودن رویداد و شیطانی بودن فرد کودک‌آزار را برجسته کنند. در مورد ندا، بر سن او به عنوان کودک، جنسیت او به عنوان دختر و دخترچه، هویت او و وضعیت خانواده (آسیب‌پذیری و تعلق طبقاتی) تأکید شده است. این تأکیدها از یک سو ندا را به طور خاص به مظهر یک قربانی کودک‌آزاری جنسی تبدیل می‌کند و از

References

1. Strelitz L, Riddle C. Child sex abuse in South Africa: The role of the media in constructing reality. *Communication: South African Journal for Communication Theory and Research*. 1992;18(2):50-56. doi:10.1080/02500169208537711
2. Durant W. *The Story of Civilization*, translated by Arianpour, Mojtabai, and Pirnazr. Tehran: Scientific and Cultural Publications Co.; 1998.
3. Mahra N. A socio-legal approach to child abuse. *Social Welfare Quarterly*. 2010; 35:251-270.
4. McDevitt S. The impact of news media on child abuse reporting. *Child Abuse and Neglect*. 1996;20(4):261-274.
5. Duact L, Thomas S, Blood W. Sensationalising sex offenders and sexual recidivism: Impact of the Serious Sex Offender Monitoring Act. *Australian Psychologist*. 2009;44(3):156-165. doi:10.1080/0005006090312799
6. Weathered JL. Child sexual abuse and the media: A literature review. *Journal of Child Sexual Abuse*. 2015;24(1):16-34.
7. Ghatreh [homepage on the Internet]. [updated 2017 Oct 29; cited 2019 Jan 16]. cited 2019 Jan 16. Available from: <http://www.ghatreh.com/news/nn39892213/>
8. Asadollahi A, Baratvand M. The relationship between parental child abuse and the pattern of criminality in abused children: A case study of violent criminals in prisons of Khuzestan. *Social Welfare Quarterly*. 2005; 19:225-250.
9. Nasti-Zaei N. A comparison of types of child abuse among male and female high school students in Zahedan. *Journal of Educational Sciences Studies*. 2007; 2:91-104.
10. Rashidi-Far N, Baraheni MT, Elahi A. The relationship between demographic factors, personality traits, and child abuse and neglect among a group of adolescents

نتیجه گیری

این پژوهش با مطالعه بازتاب کودک آزاری ندا و محمدحسین در سایت‌های اینترنتی فارسی زبان، نشان می‌دهد سایت‌های خبری مورد تحلیل در بازتاب رویداد ندا و محمدحسین، اقدام به ایجاد هراس اخلاقی کرده‌اند. رسانه‌ها الزاما باید دست به انتخاب بزنند که چه چیزی را در بازتاب یک رویداد بیان کنند و چه چیزی را نه. این انتخاب‌ها در اخبار مورد مطالعه به گونه‌ای است که در جامعه نگرانی و هراس لازم را در مورد یک «شیطان اخلاقی» با ویژگی‌های خاص ایجاد می‌کند؛ نگرانی‌ای که از حذف شیطان اخلاقی از جامعه پشتیبانی خواهد کرد. همان طور که کوهن بیان می‌کند، این شیوه می‌تواند ایجادکننده تفکرات قالبی باشد که رویداد را یک امر استثنا و شیطان اخلاقی را یک فرد استثنا به تصویر می‌کشد و بنابراین قادر نخواهد بود که آگاهی و توانمندی کافی در جامعه برای مقابله با رویدادهای مشابه ایجاد کند. کودک‌آزاری یک معضل اجتماعی است که دلایل فردی، فرهنگی و اجتماعی و زمینه‌ساز آن است و با توجه به شیوع آن، سلامت اجتماعی را تهدید می‌کند و نیازمند آن است که ضمن آگاهی‌بخشی، اقداماتی جهت رفع عوامل زمینه‌ساز آن در سطح خرد و کلان صورت پذیرد. در این میان بی‌شک رسانه‌ها نقش مهمی را برعهده دارند. با این وجود، در خصوص کودک‌آزاری‌های مورد مطالعه، چنین عملکردی از سایت‌های خبری مشاهده نمی‌شود. بلکه کودک‌آزاری ندا و محمدحسین به عنوان یک استثنا در جامعه جلوه داده شده که از یک سو محصول شرایط اجتماعی آسیب‌پذیر فرد قربانی است، از سوی دیگر ناشی از ظهور یک «شیطان اخلاقی» است که به دلیل ویژگی‌هایی خاص اقدام به برهم ریختن نظم اجتماعی کرده است و راه‌حل در حذف و مجازات فرد آزاررسان خلاصه می‌شود.

محدودیت تحلیل در مقابل داستان‌هایی که احساسات را برمی‌انگیزند، نشان‌دهنده آن است که رویکرد سایت‌های اینترنتی فارسی زبان اساساً آگاهی‌بخشی و آموزشی نیست تا با شناسایی عوامل ایجادکننده شرایط کودک‌آزاری، راهکارهایی برای جلوگیری از وقوع آن در کشور ارائه کرد. بلکه هدف آنها ایجاد احساس نفرت، خشم و ناراحتی در مورد یک رویداد (که با صفات احساسی نظیر شیطانی، فجیع، وحشتناک، شوکه آور و ... معرفی شده است) است که فرد کودک‌آزار (که با صفاتی نظیر شیطان و بی رحم معرفی شده است) به عنوان یک شیطان اخلاقی در مرکز آن قرار دارد. نتیجه این نوع بازتاب، آن است که آگاهی لازم در مورد رواج کودک‌آزاری در جامعه، دلایل بروز آن و راهکارهای جلوگیری از آن (و به تبع اقداماتی برای رفع این معضل اجتماعی در جامعه) شکل نمی‌گیرد و این احساس به مخاطب منتقل می‌شود که این رویدادها استثنائاتی اسفناک بودند و مشکل با حذف شیاطین اخلاقی (اعدام کودک آزاران) حل شده است.

21. Cohen S. *Folk Devils and Moral Panics*. London and New York: Routledge; 1997.
22. Kinnear K. *Childhood sexual abuse: A reference handbook (second edition)*. ABC-CLIO, Inc; 2007.
23. Naghavi A, Fathizadeh-Zadeh M, Abdi M. A study of the phenomenon of child abuse and its emotional and personality effects on adolescent girls in Isfahan. *Journal of Psychology and Educational Sciences*. 2005;2:187-221.
24. Giddens A. *Sociology*, translated by Saboori. Tehran: Nay Publishing; 2004.
25. Holsti A. *Content analysis for the social sciences and humanities*. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press; 2001.
26. Hsieh H, Shannon SH. Three approaches to qualitative content analysis. *Qual Health Res*. 2005;15:1276-1288. doi:10.1177/1049732305276687.
27. Hamshahri [homepage on the Internet]. [updated 2018 Aug 17; cited 2019 Jan 18]. Available from: <http://newspaper.hamshahri.org/id/23346/>
28. Euronews [homepage on the Internet]. [updated 2018 Apr 5; cited 2019 Jan 16].
- in the city of Ahar. *Journal of Thought and Behavior*. 1998; 4:67-75.
11. Halajzadeh H, Shadmanfaat M, Kabiri S. The impact of social and cultural capital on parents' awareness and performance regarding child abuse. *Sociological Studies of Social Institutions*. 2018;5(12):115-138.
12. Jangroodi F. Awareness and attitudes of mothers towards child abuse. *Journal of Social Work*. n.d.;5(3):76-85.
13. Raheb G, Eghlima M, Kamroodi A, Kafshgir M. The psychosocial impact of child abuse and the role of police in its prevention. *Social Order Journal*. 2009; 2:81-106.
14. Khak-e Rangin M, Fathi M. Family-related factors associated with child abuse: A study in the 15th district of Tehran's education and training organization. *Social Welfare Quarterly*. 2009; 33:133-145.
15. Tavakoli H, Hoshdar M. Study of cases of child sexual abuse in Tehran. *Qanun Journal of Medical Sciences Law*. 1995;2(5):12-20.
16. Rahimi-Moqaddam A, Babaei N, Rostami M. A study of the prevalence of child abuse in two districts of Tehran. *Social Welfare Quarterly*. 2003; 7:141-161.
17. Unknown. A study of the prevalence of child abuse in two districts of Tehran. *Social Welfare Quarterly*. n.d.; 7:161-141.
18. Zargar F, Nashatdoust H. A study of demographic and family factors associated with child abuse in the city of Asfahan. *Journal of Family Research*. 2006; 6:165-176.
19. Unknown. Family-related factors associated with child abuse: A study in the 15th district of Tehran's education and training organization. *Social Welfare Quarterly*. 2009; 9:123-145.
20. Bayat M, Madani-Qahfarokhi S. Poverty and child abuse in Iran. *Social Welfare Quarterly*. 2010; 35:271-300.